

نگاهی به پیشینه فرهنگی قوی ایران برای ابداع رشته های ورزشی

بازگشای بومی گمشده در کوجه های پس کوجه های کودکی



شکل

زینب دانشور / کوجه و محله از سر و صدا و شور و هیجان بچه ها خالی نمی شد حتی روزهای امتحان و بارندگی هم جسته گریخته شیفتن های لایه لای بازی آن ها به گوش می رسید. کوجه و گوش هم محلی ها هم به این تفریح صوتی عادت کرده بود. یک روز گل کوچک و یک روز وسطی، هفت سنگ و الک دولک، دودین ها و خندیدن ها. کودکان خسته و خاکی در بازگشت به خانه خالی از انرژی و کالری سوخته سر به بالین نگذاشته می خوابیدند. بین آن ها نه خبری از چاقی و اضافه وزن بود نه تبلی و بی تحرکی. حالا اما کودکان با این سبک زندگی نه فقط اضافه وزن دارند بلکه به بیماری های متعددی هم در پی آن دچارند. گذشته از این ها نسل امروز حتی نام بازی های محلی و بومی را هم نشنیده اند و کوجه ها از حضور بازیکنان خالی است از طرفی هیچ تلاش و اراده ای در مسئولین برای احیا و ترویج بازی های بومی به عنوان رشته های ورزشی دیده نمی شود.

در شرایطی که کشورهای پیشرفته در حال بررسی و طرح ریزی کارشناسانه برای ابداع ورزش های جدید و جذاب به منظور جذب مردم به فعالیت های ورزشی هستند، کودکان سرزمین ما نه همچون گذشته در زمین های بازی محله برای کالری سوزی حضور دارند و نه آموزش و پرورش رشته های ورزشی را به

اولین جلسه رسیدگی به اتهامات متهمان پرونده موسسه اعتباری منحل فرشتگان به ریاست قاضی زرگر دیروز در دادگاه انقلاب برگزار شد. در ابتدای این جلسه دادگاه قاضی زرگر ضمن بیان نکاتی گفت: مسئولانی که به این موسسات مجوز می دهند باید بدانند مردم به واسطه اعتماد به بانک مرکزی به این موسسات اعتماد می کنند و نباید بدون تحقیق به فردی مجوز دهند. وی گفت: در این پرونده فرد سابقه دار بوده و جرمه می داشته است، وقتی بانک مرکزی جواز می دهد باید مرتب نظارت کند و اجازه ندهد افراد هرکاری می خواهند انجام دهند. در ادامه این جلسه دادگاه نماینده دادستان در جایگاه قرار گرفت و به قرائت کتبی خواست پر دادخواست و پرونده ها پرداخت کرد. نماینده دادستان با اشاره به گزارش بانک مرکزی در خصوص زیانده بودن تعاونی منحل فرشتگان گفت: تعاونی منحل فرشتگان بالاترین سهم از زیان انباشته را دارد و ماهانه ۱۵۰ میلیارد تومان به زیان اضافه می شود و سرمایه پایه تعاونی منفی است. وی در ادامه گفت: آشفنگی بالایی در حساب های تعاونی منحل فرشتگان وجود دارد و برخی از این نمونه ها در گزارش بانک مرکزی آمده است. نماینده دادستان درباره متهم محمدعلی تفکر، گفت: این متهم بازنشسته بانک ملی است که سابقه قضایی نیز داشته است. وی ادامه داد: این متهم برداشت های وجوه بسیاری از موسسه منحل فرشتگان در قالب سرمایه گذاری برای افراد داشته است. نماینده دادستان در ادامه با اشاره به شناخت

اولین جلسه رسیدگی به اتهامات متهمان پرونده موسسه اعتباری منحل فرشتگان به ریاست قاضی زرگر دیروز در دادگاه انقلاب برگزار شد. در ابتدای این جلسه دادگاه قاضی زرگر ضمن بیان نکاتی گفت: مسئولانی که به این موسسات مجوز می دهند باید بدانند مردم به واسطه اعتماد به بانک مرکزی به این موسسات اعتماد می کنند و نباید بدون تحقیق به فردی مجوز دهند. وی گفت: در این پرونده فرد سابقه دار بوده و جرمه می داشته است، وقتی بانک مرکزی جواز می دهد باید مرتب نظارت کند و اجازه ندهد افراد هرکاری می خواهند انجام دهند. در ادامه این جلسه دادگاه نماینده دادستان در جایگاه قرار گرفت و به قرائت کتبی خواست پر دادخواست و پرونده ها پرداخت کرد. نماینده دادستان با اشاره به گزارش بانک مرکزی در خصوص زیانده بودن تعاونی منحل فرشتگان گفت: تعاونی منحل فرشتگان بالاترین سهم از زیان انباشته را دارد و ماهانه ۱۵۰ میلیارد تومان به زیان اضافه می شود و سرمایه پایه تعاونی منفی است. وی در ادامه گفت: آشفنگی بالایی در حساب های تعاونی منحل فرشتگان وجود دارد و برخی از این نمونه ها در گزارش بانک مرکزی آمده است. نماینده دادستان درباره متهم محمدعلی تفکر، گفت: این متهم بازنشسته بانک ملی است که سابقه قضایی نیز داشته است. وی ادامه داد: این متهم برداشت های وجوه بسیاری از موسسه منحل فرشتگان در قالب سرمایه گذاری برای افراد داشته است. نماینده دادستان در ادامه با اشاره به شناخت

تکلان دهنده از فساد های آن چنانی در یک موسسه اعتباری منحل

۷۲ هزار میلیارد تومان پول فرشتگان در حلقوم چند نفر



علی ابراهیمی بای سلامی به اتهام مشارکت در اخلاص نظام اقتصادی کشور به طور عمده از طریق مشارکت با محمدعلی تفکر و وصول وجه کلان از اشخاص و حیف و میل اموال و خیانت در امانت و تحصیل مال نامشروع به مبلغ ۴۲۲ میلیارد و ۴۶۰ میلیون و ۳۳۶ هزار و ۵۹۳ ریال است. نماینده دادستان ادامه داد: متهم ردیف چهارم این پرونده رضا تفکر، متهم به مشارکت در اخلاص در نظام اقتصادی کشور به طور عمده از طریق مشارکت با متهم محمدعلی تفکر، خیانت در امانت و حیف و میل اموال به مبلغ ۶۲۳ میلیارد و ۴۵۱ میلیون ریال است. پرونده احمد تفکر متهم به مشارکت در اخلاص در نظام اقتصادی کشور به طور عمده از طریق مشارکت با متهم محمدعلی تفکر، خیانت در امانت و حیف و میل اموال به مبلغ ۳۱۹ میلیارد و ۶۵۳ میلیون و ۹۵۳ هزار و ۷۶۴ ریال است. نماینده دادستان متهمان دیگر این پرونده را زکریا محتمل، فرید ضیالالملکی و حمید طالب زاده به عنوان معاونان در اخلاص اقتصادی کشور عنوان کرد. نماینده دادستان در ادامه خاطرنشان کرد: مدیران این تعاونی با این وعده که سرمایه های مردم را وارد

مویلی حتی با اشاعه این ورزش ها به سطح بین المللی می توان بخشی از فرهنگ کشور خود را در حد جهانی معرفی کرد بازی هایی که در خلال آن ردی از همکاری، نودوستی، تلاش، صبر و دیگر اصول اخلاقی می توان دید. هرچند در ایران ورزش های مختلفی به شکل سنتی در برخی استان ها اجرا می شود اما هیچ یک از آن ها به طور رسمی تبدیل به ورزش و در رشته ورزشی قرار نگرفته اند در حالی که تعدادی از رشته های ورزشی در سطح جهان حتی دارای مسابقات بین المللی هستند و شاید در آینده ای نزدیک در المپیک و بازی های آسیایی و اروپایی هم جای داده شوند.

یک دکترای مدیریت ورزشی در گفت و گو با خبرنگار «خبر جنوب» با بیان این که طبق پژوهش های انجام شده بسیاری از رشته های ورزشی ریشه در تاریخ دارد گفت: در کارنامه اردشیر بابکان به عنوان کهن ترین سند نوشتاری از برخی بازی ها مانند شطرنج، تخته و چوگان نام برده شده و در کتاب خسرو قبادان نیز از بازی هایی مانند دایبازی، تیراندازی، شمشیربازی، گوی بازی، زین بازی یا بازی با جنگ افزار و آندروال بازی که همان پشتک و واروژن است، نام برده شده که اغلب آن ها با اندکی تغییر تبدیل به ورزش های تخصصی شده اند.

دکتر محمد مصلی نژاد افزود: ورزش ها و بازی

عکس ها هم همین را می گویند: «حالا از مدرسه «حلیان» اصفهان (همان مدرسه قصه های مجید) جز دیوارهای تخریب شده، سقف های فروریخته، کلاس های خاک خورده، پنجره های شکسته و خاطرات تلنبار شده و غم فروخورده ما چیزی باقی نمانده است.»

سرنوشت مدرسه «قصه های مجید» و آسیب هایی که مرور زمان و بی توجهی ها به آن وارد کرده فقط به امروز و همین چند سال قبل مربوط نیست، انگار قصه این تخریب را دست کم بیش از پنج سال است که نوشته اند. هر چند اصل داستان را درست ۳۰ سال قبل بازی کردند و یک خاطره جمعی برای همه مردم ساختند؛ خاطره ای که حالا قصد از بین بردنش را دارند، به همین راحتی. مدرسه «قصه های مجید» که در خیابان یخچال شهر اصفهان قرار دارد، بیش از پنج سال قبل نخستین همدارها را گرفت؛ وقتی از تبدیل شدنش به پاتوق کارتن خواب ها و معتادان اصفهانی خبر دادند، مدرسه ای قاجاری که در واقع نخستین مدرسه «آلیانس» (اتحاد) در شهر اصفهان بود و سال ۱۳۹۲ قسمت میانی مدرسه به صورت کامل تخریب شد و شیروانی سقف های بخش جنوبی نیز ویران و بارندگی ها به مرور باعث آوار سقف شد که به دنبال آن تعدادی معتاد دیوارهای بخش شرقی عمارت را تخریب و راه ورودی به کلاس ها را برای اسکان موقت ایجاد کردند.

شاید هم قرار گرفتن در بافت تجاری شهر اصفهان بهانه خوبی برای این بی توجهی است تا تخریب را راحت تر کند، هر چند شش سال از زمان ثبت ملی این بنای تاریخی گذشته باشد. برای دومین بار شهریار فعال میراث فرهنگی در مطلبی با عنوان «برانی مدرسه قصه های مجید» در سایت سفرونیس از بدتر شدن وضعیت این بنای تاریخی نوشته است.

او در مطلب خود این طور آورده است: مدرسه قصه های مجید به علت عدم رسیدگی به زودی ویران خواهد شد، می بهری به لوکیشن فیلمبرداری قصه های مجید در شهر اصفهان، باعث مرگ خاموش تک تک خاطرات و نوستالژی های کودکان ما می شود. قصه های مجید، خاطره جمعی ایرانیان برای همیشه ویران خواهد شد. مدرسه قصه های مجید بهمن ماه سال ۱۳۹۲ در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده بود اما حالا از مدرسه «حلیان» اصفهان (همان مدرسه قصه های مجید) جز دیوارهای تخریب شده، سقف های فروریخته، کلاس های خاک خورده، پنجره های شکسته و خاطرات تلنبارشده و غم فروخورده ما چیزی باقی نمانده است.

مدرسه Alliance آلیانس، مدرسه اتحاد، مدرسه فرانسوی ها، مدرسه یهودیان، مدرسه قصه های مجید، دبیرستان شهید حلیان یا هر اسم دیگری که داشته باشند، خاطره جمعی کودکان دهه ۵۰ و ۶۰ است که سادگی های شان را در

فیلم «سرزمین آواره ها» در ادامه موفقیت در فصل جوایز سینمایی، موفق به کسب جایزه بهترین فیلم از جوایز سالانه «گاتهام» شد.

به گزارش ویریتی، در مراسم سی امین دوره جوایز فیلم مستقل گاتهام که امسال به صورت مجازی در نیویورک برگزار شد، فیلم «سرزمین آواره ها» ساخته کلونی ژانو، توانست جایزه بهترین فیلم

سرریال «باخانمان» به کارگردانی برزو نیک نژاد، مجموعه ای ۳۰ قسمتی که در گروه فیلم و سریال شبکه سه ساخته شده است؛ شبکه ای که طی یک سال گذشته سریال های ضعیف و کم مخاطبی همچون سرپاز، صفر بیست و یک، زمین گرم، دوپینگ و... روانه آنتن کرده است. سریال باخانمان قرار بود یک

کار طنز باشد که بیش از آن که طنز باشد وضعیت رقت بار یک معتاد را به نمایش در می آورد. نمایش اعتیاد و مسائل مبتلابه آن چقدر پتانسیل طنز دارد؟ اگر دوستان پاسخ شان سرریال بزنگاه است، در این سریال عطاران از بازیگرانی استفاده کرد که هر کدام پتانسیل ایجاد موقعیت های طنز را داشتند و سمت و سوی داستان به گونه ای طراحی شده بود که در تقبیح اعتیاد بود و تمام بدبختی های شخصیت داستان نادر (رضا عطاران) را که ناشی از اعتیاد نشان می دهد، در سریال باخانمان هیچ

نگاه طنزی دیده نمی شود. بازیگران پتانسیل فضای نمایشی طنز ندارند. از سوی دیگر پدر خانواده که معتاد است فرزندش را می فرورد. سوال اینجاست چند درصد از جامعه ایرانی اسلامی ما را این چنین پدران تشکیل داده اند که در این سطح گسترده و به صورت سرریال از شبکه های سراسری پخش می شود؟ نکته جالب این که چندی پیش وقتی یک خانواده فرزندش را مجبور به کشیدن مواد مخدر کرد و فیلم آن در فضای مجازی منتشر شد، از سوی قوه قضاییه مورد پیگیری قرار گرفتند و به عنوان مجرم شناخته شدند. حال نمایش اعتیاد در این سطح گسترده و با جزئیات و فروش فرزند در یک سریال تلویزیونی که مخاطبان آن را دنبال می کنند چه حکمی خواهد داشت؟

اگر تنها عکس های این سریال را مرور کنید خواهید دید پدر خانواده (احسن پور شیرازی) چگونه نشان داده شده است و در چه شرایطی او را در قاب تلویزیون به تصویر کشیده می شود. سوال اینجاست با نمایش این نوع پدر در سطح گسترده توقع داریم فرزندان به بزرگترها احترام بگذارند؟ هر روز در بوق و کرنا می کنیم که کودکان احترامی برای والدین قائل نیستند. نکته جالب دیگر درباره این سریال حضور ناظر کیفی بی تجربه ای خواهد داشت؟

سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است. در این سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است. در این سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است.

سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است. در این سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است.

سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است. در این سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است.

سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است. در این سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است.

سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است. در این سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است.

سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است. در این سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است.

سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است. در این سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است.

های سنتی به عنوان داشته های باارزش ملی و فرهنگی به نوعی میراث ماست که در میان آن اندیشه و تفکر، هویت و عقاید سرزمین کهن مان وجود دارد بنابراین با تبدیل آن به ورزش های رسمی و جهانی ابزاری خواهند شد برای انتقال فرهنگ و تمدن از نسلی به نسل دیگر. وی ادامه داد: ایده تبدیل بازی های بومی و سنتی به رشته های ورزشی آن هم به صورت تغییر قوانین یا رعایت اساس بازی طرحی ماندگار است که می تواند به عنوان ورزش های مدرن و به روز هم تلقی شوند و با حمایت های متولیان به سطوح عالی رقابت های جهانی هم برسند. این کارشناس ورزش با اشاره به این که امروزه اغلب علاقه مندان به ورزش و فعالیت های فیزیکی به دنبال کسب تجربه های جدید و رشته های نو هستند گفت: از زمانی که اولویت بشهر رفاه و آسایش شد، ابزارهای مدرنیته روی کار آمد و زندگی ها بر آن اساس جلو رفت به همین ترتیب علایق به رشته های ورزشی نیز تغییر یافت کما این که تماشای ورزشکاران دوره گسردی که روزگاری میسل و کباده می گرفتند از رونق افتاد و گرایش ها به سمت ورزش هایی با تم بازی و رقابت رفت. مصلی نژاد بیان کرد: هر نسلی با توجه به سلاقی و نیازهای همان نسل به رشته های ورزشی روی می آورد همان طور که رشته های ورزشی سنتی امروزه طرفداران و علاقه مندان کمتری دارد، انگاره های مردم عواض

سریال قصه های مجید دنبال می کردند، خاطراتی که به زودی با تخریب مدرسه قصه های مجید، نابود می شود! او در بخش دیگری از مطلب خود درباره تاریخچه این مدرسه نوشته است: در توافقنامه نهایی بین ایران و آلیانس (نماینده مسیو ژوزف کازس) در ۱۴ ژوئیه ۱۸۹۸ میلادی (۲۳ تیر ۱۲۷۷ خورشیدی) در زمان مظفرالدین شاه، ایران مسئول تأمین محل ساخت مدرسه آلیانس شد و اولین مدرسه آلیانس در تهران و به ترتیب مدارس دیگری در همدان، اصفهان، سمنجان، شیراز، نهاوند، کرمانشاه، گلپایگان، بیجا، یزد و کاشان احداث شد. مدرسه آلیانس با اتحاد شهر اصفهان در اول آگوست ۱۹۰۱ میلادی

مرگ خاموش یک دیگر از خطرات و نوستالژی های جمعی ما

زنگ آخر مدرسه قصه های مجید

عکس ها هم همین را می گویند: «حالا از مدرسه «حلیان» اصفهان (همان مدرسه قصه های مجید) جز دیوارهای تخریب شده، سقف های فروریخته، کلاس های خاک خورده، پنجره های شکسته و خاطرات تلنبار شده و غم فروخورده ما چیزی باقی نمانده است.»

سرنوشت مدرسه «قصه های مجید» و آسیب هایی که مرور زمان و بی توجهی ها به آن وارد کرده فقط به امروز و همین چند سال قبل مربوط نیست، انگار قصه این تخریب را دست کم بیش از پنج سال است که نوشته اند. هر چند اصل داستان را درست ۳۰ سال قبل بازی کردند و یک خاطره جمعی برای همه مردم ساختند؛ خاطره ای که حالا قصد از بین بردنش را دارند، به همین راحتی. مدرسه «قصه های مجید» که در خیابان یخچال شهر اصفهان قرار دارد، بیش از پنج سال قبل نخستین همدارها را گرفت؛ وقتی از تبدیل شدنش به پاتوق کارتن خواب ها و معتادان اصفهانی خبر دادند، مدرسه ای قاجاری که در واقع نخستین مدرسه «آلیانس» (اتحاد) در شهر اصفهان بود و سال ۱۳۹۲ قسمت میانی مدرسه به صورت کامل تخریب شد و شیروانی سقف های بخش جنوبی نیز ویران و بارندگی ها به مرور باعث آوار سقف شد که به دنبال آن تعدادی معتاد دیوارهای بخش شرقی عمارت را تخریب و راه ورودی به کلاس ها را برای اسکان موقت ایجاد کردند.

شاید هم قرار گرفتن در بافت تجاری شهر اصفهان بهانه خوبی برای این بی توجهی است تا تخریب را راحت تر کند، هر چند شش سال از زمان ثبت ملی این بنای تاریخی گذشته باشد. برای دومین بار شهریار فعال میراث فرهنگی در مطلبی با عنوان «برانی مدرسه قصه های مجید» در سایت سفرونیس از بدتر شدن وضعیت این بنای تاریخی نوشته است.

او در مطلب خود این طور آورده است: مدرسه قصه های مجید به علت عدم رسیدگی به زودی ویران خواهد شد، می بهری به لوکیشن فیلمبرداری قصه های مجید در شهر اصفهان، باعث مرگ خاموش تک تک خاطرات و نوستالژی های کودکان ما می شود. قصه های مجید، خاطره جمعی ایرانیان برای همیشه ویران خواهد شد. مدرسه قصه های مجید بهمن ماه سال ۱۳۹۲ در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده بود اما حالا از مدرسه «حلیان» اصفهان (همان مدرسه قصه های مجید) جز دیوارهای تخریب شده، سقف های فروریخته، کلاس های خاک خورده، پنجره های شکسته و خاطرات تلنبارشده و غم فروخورده ما چیزی باقی نمانده است.

مدرسه Alliance آلیانس، مدرسه اتحاد، مدرسه فرانسوی ها، مدرسه یهودیان، مدرسه قصه های مجید، دبیرستان شهید حلیان یا هر اسم دیگری که داشته باشند، خاطره جمعی کودکان دهه ۵۰ و ۶۰ است که سادگی های شان را در

فیلم «سرزمین آواره ها» در ادامه موفقیت در فصل جوایز سینمایی، موفق به کسب جایزه بهترین فیلم از جوایز سالانه «گاتهام» شد.

به گزارش ویریتی، در مراسم سی امین دوره جوایز فیلم مستقل گاتهام که امسال به صورت مجازی در نیویورک برگزار شد، فیلم «سرزمین آواره ها» ساخته کلونی ژانو، توانست جایزه بهترین فیلم

سرریال «باخانمان» به کارگردانی برزو نیک نژاد، مجموعه ای ۳۰ قسمتی که در گروه فیلم و سریال شبکه سه ساخته شده است؛ شبکه ای که طی یک سال گذشته سریال های ضعیف و کم مخاطبی همچون سرپاز، صفر بیست و یک، زمین گرم، دوپینگ و... روانه آنتن کرده است. سریال باخانمان قرار بود یک

کار طنز باشد که بیش از آن که طنز باشد وضعیت رقت بار یک معتاد را به نمایش در می آورد. نمایش اعتیاد و مسائل مبتلابه آن چقدر پتانسیل طنز دارد؟ اگر دوستان پاسخ شان سرریال بزنگاه است، در این سریال عطاران از بازیگرانی استفاده کرد که هر کدام پتانسیل ایجاد موقعیت های طنز را داشتند و سمت و سوی داستان به گونه ای طراحی شده بود که در تقبیح اعتیاد بود و تمام بدبختی های شخصیت داستان نادر (رضا عطاران) را که ناشی از اعتیاد نشان می دهد، در سریال باخانمان هیچ

نگاه طنزی دیده نمی شود. بازیگران پتانسیل فضای نمایشی طنز ندارند. از سوی دیگر پدر خانواده که معتاد است فرزندش را می فرورد. سوال اینجاست چند درصد از جامعه ایرانی اسلامی ما را این چنین پدران تشکیل داده اند که در این سطح گسترده و به صورت سرریال از شبکه های سراسری پخش می شود؟ نکته جالب این که چندی پیش وقتی یک خانواده فرزندش را مجبور به کشیدن مواد مخدر کرد و فیلم آن در فضای مجازی منتشر شد، از سوی قوه قضاییه مورد پیگیری قرار گرفتند و به عنوان مجرم شناخته شدند. حال نمایش اعتیاد در این سطح گسترده و با جزئیات و فروش فرزند در یک سریال تلویزیونی که مخاطبان آن را دنبال می کنند چه حکمی خواهد داشت؟

اگر تنها عکس های این سریال را مرور کنید خواهید دید پدر خانواده (احسن پور شیرازی) چگونه نشان داده شده است و در چه شرایطی او را در قاب تلویزیون به تصویر کشیده می شود. سوال اینجاست با نمایش این نوع پدر در سطح گسترده توقع داریم فرزندان به بزرگترها احترام بگذارند؟ هر روز در بوق و کرنا می کنیم که کودکان احترامی برای والدین قائل نیستند. نکته جالب دیگر درباره این سریال حضور ناظر کیفی بی تجربه ای خواهد داشت؟

سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است. در این سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است.

سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است. در این سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است.

سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است. در این سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است.

سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است. در این سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است.

سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است. در این سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است.

سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است. در این سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است.

سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است. در این سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است.

شده و حالا فوتبال، اسکی، شنا، راگبی، بیسبال، گلف و تنیس طرفدار دارند لذا بااست طبق سلاقی، نیاز و فیزیولوژی نسل امروز به ابداع رشته های جالب و ماندگار ورزشی بپردازیم. وی با اشاره به این که ورزش ها و بازی های سنتی در چرخه صنعتی شدن به عنوان باقی مانده های کهنه جامعه دور انداخته شدند گفت: این روند که ابتدا در اروپا شروع شد به کشورهای جهان سوم رسید و همان طور که اروپایی ها توجیه و اقبال به مسائل زیست محیطی را نوعی تفکر تجملی می دانند که فرصتی برای حل و رفع آن ندارند، جهان سوم به جای حفظ فرهنگ های بومی و سنتی خود چون بازی ها و ورزش ها، حل معضلات دیگر چون اقتصاد را در اولویت قرار می دهد. این دکترای مدیریت ورزشی تلاش و هدف کشورهای جهان سوم را کسب نام و فتح مدال های دانست که آن ها را هدایت می کند و آسایش شد، ابزارهای مدرنیته روی کار آمد و زندگی ها بر آن اساس جلو رفت به همین ترتیب علایق به رشته های ورزشی نیز تغییر یافت کما این که تماشای ورزشکاران دوره گسردی که روزگاری میسل و کباده می گرفتند از رونق افتاد و گرایش ها به سمت ورزش هایی با تم بازی و رقابت رفت. مصلی نژاد بیان کرد: هر نسلی با توجه به سلاقی و نیازهای همان نسل به رشته های ورزشی روی می آورد همان طور که رشته های ورزشی سنتی امروزه طرفداران و علاقه مندان کمتری دارد، انگاره های مردم عواض

سریال قصه های مجید دنبال می کردند، خاطراتی که به زودی با تخریب مدرسه قصه های مجید، نابود می شود! او در بخش دیگری از مطلب خود درباره تاریخچه این مدرسه نوشته است: در توافقنامه نهایی بین ایران و آلیانس (نماینده مسیو ژوزف کازس) در ۱۴ ژوئیه ۱۸۹۸ میلادی (۲۳ تیر ۱۲۷۷ خورشیدی) در زمان مظفرالدین شاه، ایران مسئول تأمین محل ساخت مدرسه آلیانس شد و اولین مدرسه آلیانس در تهران و به ترتیب مدارس دیگری در همدان، اصفهان، سمنجان، شیراز، نهاوند، کرمانشاه، گلپایگان، بیجا، یزد و کاشان احداث شد. مدرسه آلیانس با اتحاد شهر اصفهان در اول آگوست ۱۹۰۱ میلادی

مرگ خاموش یک دیگر از خطرات و نوستالژی های جمعی ما

زنگ آخر مدرسه قصه های مجید

عکس ها هم همین را می گویند: «حالا از مدرسه «حلیان» اصفهان (همان مدرسه قصه های مجید) جز دیوارهای تخریب شده، سقف های فروریخته، کلاس های خاک خورده، پنجره های شکسته و خاطرات تلنبار شده و غم فروخورده ما چیزی باقی نمانده است.»

سرنوشت مدرسه «قصه های مجید» و آسیب هایی که مرور زمان و بی توجهی ها به آن وارد کرده فقط به امروز و همین چند سال قبل مربوط نیست، انگار قصه این تخریب را دست کم بیش از پنج سال است که نوشته اند. هر چند اصل داستان را درست ۳۰ سال قبل بازی کردند و یک خاطره جمعی برای همه مردم ساختند؛ خاطره ای که حالا قصد از بین بردنش را دارند، به همین راحتی. مدرسه «قصه های مجید» که در خیابان یخچال شهر اصفهان قرار دارد، بیش از پنج سال قبل نخستین همدارها را گرفت؛ وقتی از تبدیل شدنش به پاتوق کارتن خواب ها و معتادان اصفهانی خبر دادند، مدرسه ای قاجاری که در واقع نخستین مدرسه «آلیانس» (اتحاد) در شهر اصفهان بود و سال ۱۳۹۲ قسمت میانی مدرسه به صورت کامل تخریب شد و شیروانی سقف های بخش جنوبی نیز ویران و بارندگی ها به مرور باعث آوار سقف شد که به دنبال آن تعدادی معتاد دیوارهای بخش شرقی عمارت را تخریب و راه ورودی به کلاس ها را برای اسکان موقت ایجاد کردند.

شاید هم قرار گرفتن در بافت تجاری شهر اصفهان بهانه خوبی برای این بی توجهی است تا تخریب را راحت تر کند، هر چند شش سال از زمان ثبت ملی این بنای تاریخی گذشته باشد. برای دومین بار شهریار فعال میراث فرهنگی در مطلبی با عنوان «برانی مدرسه قصه های مجید» در سایت سفرونیس از بدتر شدن وضعیت این بنای تاریخی نوشته است.

او در مطلب خود این طور آورده است: مدرسه قصه های مجید به علت عدم رسیدگی به زودی ویران خواهد شد، می بهری به لوکیشن فیلمبرداری قصه های مجید در شهر اصفهان، باعث مرگ خاموش تک تک خاطرات و نوستالژی های کودکان ما می شود. قصه های مجید، خاطره جمعی ایرانیان برای همیشه ویران خواهد شد. مدرسه قصه های مجید بهمن ماه سال ۱۳۹۲ در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده بود اما حالا از مدرسه «حلیان» اصفهان (همان مدرسه قصه های مجید) جز دیوارهای تخریب شده، سقف های فروریخته، کلاس های خاک خورده، پنجره های شکسته و خاطرات تلنبارشده و غم فروخورده ما چیزی باقی نمانده است.

مدرسه Alliance آلیانس، مدرسه اتحاد، مدرسه فرانسوی ها، مدرسه یهودیان، مدرسه قصه های مجید، دبیرستان شهید حلیان یا هر اسم دیگری که داشته باشند، خاطره جمعی کودکان دهه ۵۰ و ۶۰ است که سادگی های شان را در

فیلم «سرزمین آواره ها» در ادامه موفقیت در فصل جوایز سینمایی، موفق به کسب جایزه بهترین فیلم از جوایز سالانه «گاتهام» شد.

به گزارش ویریتی، در مراسم سی امین دوره جوایز فیلم مستقل گاتهام که امسال به صورت مجازی در نیویورک برگزار شد، فیلم «سرزمین آواره ها» ساخته کلونی ژانو، توانست جایزه بهترین فیلم

سرریال «باخانمان» به کارگردانی برزو نیک نژاد، مجموعه ای ۳۰ قسمتی که در گروه فیلم و سریال شبکه سه ساخته شده است؛ شبکه ای که طی یک سال گذشته سریال های ضعیف و کم مخاطبی همچون سرپاز، صفر بیست و یک، زمین گرم، دوپینگ و... روانه آنتن کرده است. سریال باخانمان قرار بود یک

کار طنز باشد که بیش از آن که طنز باشد وضعیت رقت بار یک معتاد را به نمایش در می آورد. نمایش اعتیاد و مسائل مبتلابه آن چقدر پتانسیل طنز دارد؟ اگر دوستان پاسخ شان سرریال بزنگاه است، در این سریال عطاران از بازیگرانی استفاده کرد که هر کدام پتانسیل ایجاد موقعیت های طنز را داشتند و سمت و سوی داستان به گونه ای طراحی شده بود که در تقبیح اعتیاد بود و تمام بدبختی های شخصیت داستان نادر (رضا عطاران) را که ناشی از اعتیاد نشان می دهد، در سریال باخانمان هیچ

نگاه طنزی دیده نمی شود. بازیگران پتانسیل فضای نمایشی طنز ندارند. از سوی دیگر پدر خانواده که معتاد است فرزندش را می فرورد. سوال اینجاست چند درصد از جامعه ایرانی اسلامی ما را این چنین پدران تشکیل داده اند که در این سطح گسترده و به صورت سرریال از شبکه های سراسری پخش می شود؟ نکته جالب این که چندی پیش وقتی یک خانواده فرزندش را مجبور به کشیدن مواد مخدر کرد و فیلم آن در فضای مجازی منتشر شد، از سوی قوه قضاییه مورد پیگیری قرار گرفتند و به عنوان مجرم شناخته شدند. حال نمایش اعتیاد در این سطح گسترده و با جزئیات و فروش فرزند در یک سریال تلویزیونی که مخاطبان آن را دنبال می کنند چه حکمی خواهد داشت؟

اگر تنها عکس های این سریال را مرور کنید خواهید دید پدر خانواده (احسن پور شیرازی) چگونه نشان داده شده است و در چه شرایطی او را در قاب تلویزیون به تصویر کشیده می شود. سوال اینجاست با نمایش این نوع پدر در سطح گسترده توقع داریم فرزندان به بزرگترها احترام بگذارند؟ هر روز در بوق و کرنا می کنیم که کودکان احترامی برای والدین قائل نیستند. نکته جالب دیگر درباره این سریال حضور ناظر کیفی بی تجربه ای خواهد داشت؟

سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است. در این سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است.

سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است. در این سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است.

سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است. در این سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است.

سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است. در این سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است.

سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است. در این سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است.

سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است. در این سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است.



نقدی بر سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است. در این سریال باخانمان که قرار بود یک کار طنز باشد اما چیزی باقی نمانده است.

خنده بر این درد بی درمان دوا نیست